



نواب خاص امام زمان چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

نواب اربعه که چهار نفر بودند به طور مستقیم با امام زمان در ارتباط بودند و در دوره غیبت صغری از طریق سازمان وکلا با مردم در ارتباط بودند.

نواب اربعه که چهار نفر بودند به طور مستقیم با امام زمان در ارتباط بودند و در دوره غیبت صغری از طریق سازمان وکلا با مردم در ارتباط بودند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه سی و دوم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

ما در رابطه با نحوه ارتباط امام با سطح جامعه سه واژه داریم - سفیر - نایب - وکیل که در جلسه بعد باید راجع به تفاوت‌های این سه تا صحبت کنیم. مهمترین عنوان سفیران هستند که در عین حال که اینها نواب اربعه هم هستند یعنی هم عنوان سفارت را دارند هم عنوان نیابت را دارند. اما اینها مرتبه و شأنشان بالاتر از وکلاست چون سفیر و نایب خاص هر دو منصوب از طرف امام عصر علیه السلام هستند. بین سفیر و نواب اربعه تفاوت نیست. اینها دو عنوان دارند هم نایبان خاص هستند هم سفرا هستند منتهی این واژه‌ها عظمت و شخصیت این بزرگواران را مشخص می‌کند که بعد توضیح خواهم داد.

در اینکه حالا اینها چه ویژگی دارند؟ جلسه گذشته صحبت کردیم.

در این جلسه این چهار بزرگوار را معرفی و برخی از ویژگی‌های آنها را بیان می‌کنیم. دوران غیبت صغری ۶۹ سال است. معلوم نیست دوران سفارت سفیر اول، چقدر طول می‌کشد ولی ظاهراً کمتر از چهار پنج سال است. نخستین نایب امام علیه السلام ابو عمر عثمان ابن سعید عمری است. شیخ طوسی درباره ایشان چنین می‌نویسد: «سفیرانی که از جانب ائمه اطهار به نیکی یاد شدند نخستین آنان مرد بزرگواری است که حضرت امام هادی و امام عسکری علیهم السلام او را توثیق نمود.»

چقدر اینها درست عمل کردند. چقدر صحیح کار می‌کردند. اینها هوشمندی است که حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: الْمُؤْمِنُ كَيْضٌ این کیاست و تیزهوشی است. وی از یاران، اصحاب و شاگردان مورد وثوق امام دهم و امام یازدهم علیهم السلام است او مردی بزرگوار و مورد اطمینان که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام به خدمتگزاری و یادگیری احکام و حدیث و آموزه‌های اسلامی اشتغال داشته، نام وی عثمان ابن سعید، کنیه اش ابو عمر و، لقب مبارکش عمری، است.

احمد بن اسحاق از وجوع و عیان شیعه از قم از حضرت هادی علیه السلام پرسیدند: با چه کسی داد و ستد کنم؟ و از چه کسی مطلب را بگیرم؟ و گفته چه کسی را بپذیرم؟ امام فرمودند: عمری مورد اعتماد من است. آنچه را از من به تو برساند بطور قطع از من به تو می‌رساند یعنی وثاقت و امانت داری، آنچه را می‌گوید قطعاً؛ امام فرمودند تردید در آن نکن، و آنچه را از قول من برای تو بگوید بطور قطع از من می‌گوید، آنچه را می‌دهد از طرف من است، آنچه را هم می‌گوید امام می‌گوید قطعاً از طرف من است.

عثمان ابن سعید از سال ۲۶۰ بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به نص امام حسن عسکری علیه السلام به نیابت از طرف غایب علیه السلام معرفی شدند.

و امام عصر علیه السلام به وکالت و نیابت عثمان ابن سعید برای جمعیت و اهالی قم اشاره کرده و آنها را به عثمان سعید ارجاع دادند. وقتی می‌گوییم اینها نایب خاصند یکی از ویژگی‌هایشان این است از طرف امام علیه السلام اینها باید نص داشته باشند باید معرفی نامه‌ای به این معنا داشته باشند.

اینها دارای کرامت بودند یعنی دارای مقام کار خارق العاده بودند. بدلیل اینکه مثلاً فرض بفرمائید می‌آمدند خدمت احمد بن اسحاق می‌گفتند آقا ما سراغ کی برویم؟ فرض کنید سراغ عثمان ابن سعید. حالا از کجا من اعتماد کنم به عثمان ابن سعید؟ عثمان ابن سعید باید کرامت نشان بدهد. کما اینکه در آن داستان پیرزن با حسین بن روح نوبختی این اتفاق

افتاد. یک پیر زنی از قم از ایران ما رفتند خدمت احمد بن اسحاق گفتند ما به کی رجوع بکنیم؟ گفت حسین بن روح نوبختی، ایشان رفتند بغداد خدمت حسین بن روح نایب سوم. گفت می گویند شما رابطه هستید؟ گفت بله، گفت چیزی به ما نشان بده، باز این را تکرار می کنم که این مقامات، مقاماتی است که هر طرفی ادعا می کند، باید صاحب کرامت باشد. جناب حسین بن روح آنچه پیرزن در کیسه دات را عنوان می کند و همه محتویات را می گوید.

محمد بن عثمان سعید عمری طولانی ترین مدت نیابت خاصه یعنی ۴۰ سال را دارد.

کتاب دو سفیر راجع به این پدر و پسر هست محمد بن عثمان سعید دومین نایب از طرف امام زمان علیه السلام و از طرف پدرشان معرفی شدند. امام انتخاب کردند و جناب پدر معرفی کردند. وی پیش از این در زمان حیات پدرش از سوی امام عسگری علیه السلام به نیابت امام غایب علیه السلام معرفی شدند. بدین صورت که آن حضرت گاه گروهی که شیعیان یمن در شهر سامرا به حضورش شرفیاب می شدند عثمان ابن سعید را نزد خود فرا می خواندند و بر وکالت و وثاقت او توثیق می کردند. گواه باشید عثمان ابن سعید وکیل من است حالا دیگر این راجع به پسر است راجع به پدر نیست. و فرزندش محمد بن عثمان وکیل فرزند من است. این توثیق امام عسگری علیه السلام بر جناب محمد بن عثمان است. چون دوران نیابت ایشان ۴۰ سال طول کشید یکی از مهمترین وظایف ایشان - مبارزه با نواب دروغین بود.

ادعای نیابت در غیبت کبری وجود ندارد در غیبت صغری وجود داشته چهار نفر، اینها نص داشتند و اعیان شیعه تأیید می کردند حالا امروزه هر کسی در هر کجا ادعا بکند من نایب خاصم (علی محمد باب هم همین ادعا را می کردند و خدا رحمت کند مرحوم امیر کبیر رحمه الله علیه را که مبارزه خاص کرد و بهائی ها او را کشتند)

آن توفیع حضرت اینست که: ما برای خدائیم و بازگشت مان بسوی اوست پیام تسلیت برای عثمان ابن سعید هست. تسلیم فرمان خدا و خشنود قضای الهی هستیم. پدرت سعادتمندانه زیست و نیکو از این جهان دیده بر پست.

امام این می نویسد نه اینکه باز ما انتزاع کرده باشیم. خدایش رحمتش کند و او را به اولیاء و موالیان خود ملحق سازد که همواره در راه آنان کوشا بود و در چیزهائی که او را بخدا نزدیک سازد تلاش فراوان داشت. خداوند تبارک و تعالی رویش را سفید و درخشنده کند و لغزش هایش را ببخشد از کمال سعادت او بود که خداوند چون تو فرزندى را روزیش ساخت که جانشین او باشد و به امر او قیام کند تصریح به این است که «تو نیابت خاصه داری» محمد بن عثمان، در توفیع دیگری محمد بن عثمان عمری خداوند از او و پدرش خشنود و راضی باشد همانا او مورد وثوق من و نوشته او نوشته من است. این فرمایش امام زمان علیه السلام است.

جناب ایشان دو مشکل عمده در دوران خودشان داشتند: ۱ - با غلات باید مبارزه می کردند. ۲ - با کسانی که ادعای نیابت به دروغ می کردند، مبارزه کردند. دوره نیابت ایشان ۴۰ سال طول کشید و بعد از دار دنیا رفتند نفر سوم جناب - حسین بن روح نوبختی افتخار ایرانی ها. سومین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام محدث، فقیه، مُتکلم شیعی ایرانی حسین بن روح نوبختی است.

وی میان شیعیان بغداد شهرتی ویژه ای داشته و یکی از افراد مورد اعتماد محمد بن عثمان عمری است یعنی دومى، حالا ایشان می خواهد یواش یواش یکی را جا بیندازد. به دستور امام حسین بن روح را با مردم آشنا کند او در سال های ۳۰۵ تا ۳۲۶ قمری نایب امام بود یعنی ۲۱ سال.

حسین بن روح دارای برتریهای فراوانی بود ولی بطور عمد شهرت و اعتبار او به مسئله نیابتش برمی گردد. یعنی هم عالم بوده ولی مباحث علمی دیگر در دوران غیبت صغری و نیابت خاصه اش از او سرنزده یعنی عمده شهره اش در همین بحث نیابت است.

بیش از آن محمد بن عثمان او را حلقه اتصال بین خود و وکلای دیگرش در بغداد قرار داده وی در زمان حیات نایب دوم در دربار عباسی نفوذ چشمگیری داشت از ناحیه برخی مقامات دولتی کمک های مالی به او می رسیده است. ابا نمی کرده پول از دشمن بگیرد چون می خواهد جان امام را حفظ کند. نایب دوم از دو یا سه سال پیش از درگذشت خود با ارجاع برخی از شیعیان که اموالی را از سهم امام و غیر آن پیش ایشان بود در واقع به حسین بن روح ارجاع می دادند و زمینه نیابت ایشان را فراهم کردند.

چهارمین نفر جناب علی بن محمد سَمَری است. ابوالحسن علی بن محمد سمری چهارمین و آخرین سفیر حضرت ولی عصر علیه السلام است. وی پس از درگذشت حسین بن روح به مقام سفارت رسید و مدت ۳ سال عهده دار این جایگاه

بود. سمري از خاندانی دیندار و شیعه بود. در خدمتگزاری به سازمان امامت شهرت فراوانی داشت. نواب در رأس بودند، یک سازمانی بود، اسمش را گذاشته بود سازمان وکلا، اسم این را گذاشته بودند سازمان امامت. به اینها خدمتگزاری می کرد. همین اصالت خانوادگی او باعث شد در امر سفارت با مخالفت چندانی روبرو نشود. یعنی موجه بود وجوع و اعیان شیعه در او نوعی اجماع داشتند مشکل با او نداشتند سمري فرصت زیادی برای فعالیت نداشت (سه سال) به همین دلیل مانند نایب های پیشین خود نتوانست فعالیت گسترده ای انجام دهد. تغییرات قابل ملاحظه ای در رابطه با خود و وکلا پدید آورد. لیکن اعتقاد شیعیان به بزرگواری و مورد اطمینان بودن او مثل سایر نایبان بود.

رحلت ایشان در روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ هجری است. شش روز پیش از رحلت او توقیعی از سوی امام دوازدهم علیه السلام بدستش رسید که مرگ رو را پیش گویی و زمان مرگ را تعیین می کرد. متن این توقیع شریف نمایانگر پایان غیبت صغری و نیابت خاص و آغاز غیبت کبری و نیابت عامه بود.

امام فرمودند: کارهایت را به سامان برسان بعد از خودت کسی را معرفی ننما که وَقَعَتَ الْغِيْبَةَ التَّامَةَ که ما در شرف و نزدیکی غیبت تامه یعنی کبری، تامه هم از حیث زمان و هم از حیث اینکه با کسی مرتبط نیستیم و غیبت کبری است و کسی نایب خاص نیست و کسی نمی تواند ادعای ارتباط با بنده را بکند.

ما یک بحث مفصلی راجع به اینکه در دوره غیبت کبری می شود ملاقات با امام عصر علیه السلام داشت یا نمی شود؟ خواهیم داشت و بیان می کنیم کسانی که ادعای این ملاقات را کردند به چه شکلی بوده است؟

ما دو تا کتاب حدیث دو سفیر را گفتیم دو کتاب دیگر راجع به سفیر سوم و چهارم معرفی می کنیم توضیحات کامل و مبسوط راجع به این دو بزرگوار است. حدیث آخرین سفیر و مدعیان دروغین نام کتاب است و هر سه کتاب را سید مجتبی بحرینی نوشته است و زحمت خوبی کشیده است. آثار خوب دیگری نیز دارد.

چون بحث ما در باره سفرا بوده بخشی از حرف ها را زدیم، رئوس مطالب را بیان کردیم آنچه برای من اهمیت داشت اینکه اینها آدم های عادی نبودند - بنابر این این هر آدمی نمی تواند ادعای نیابت بکند. با رحلت ایشان دوره غیبت صغری تمام می شود و امام وارد غیبت کبری می شوند. درباب غیبت صغری یک مسئله باقی می ماند و آن اینکه - اولاً - این بزرگواران چه زمانی به نیابت انتخاب شدند ثانیاً؛ مکان آنها کجا بود؟

مرکز حکومت سامرا بود به ادله ای که عباسیون تشخیص داده بودند. که از جمله نزدیکی به ایران باشد، گرچه خیلی سال ها در بغداد بوده، ولی در عین حال مرکز نواب اربعه بغداد بود یعنی اینها به این شکل ذهن دستگاه ظلمه را از امام دور کردند. در طول این ۶۹ سال همواره این چهار نایب در بغداد بودند و قبر مبارکشان در همانجاست در کتاب هایی که ما معرفی کردیم می خوانند. یعنی ذهنیت را دور کردند که اگر ارتباطی باشد باید در سامرا باشد نه در آنجا که دستگاه محل حکومت و استقرارش است. آنها شاید در بغداد دنبال امام می گشتند در حالی که حالا گر چه مکان امام در غیبت صغری راجع به آن بحث بشود بلکه تصورشان نمی آمد در سامرا باشد شاید امن ترین جا همان سامرا بود نظیر آنچه خداوند برای حضرت موسی علیه السلام اختیار کرد. حضرت موسی علیه السلام امن ترین جا برایش خود قصر فرعون بود.

حالا وظایف نایب خاص چیست؟ چکار می کردند آن موقع؟ وظایف شان چه بوده؟

۱- برطرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت امام، اینها باید جوری ترسیم بکنند که امام هست؛

۲- پنهان نگه داشتن مکان امام جمع بین متضادین؛

۳- پاسخ گوئی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی؛

۴- سازماندهی وکیل های حضرت که راجع به این وکلا باید صحبت بکنیم؛

۵- آماده کردن شیعیان برای غیبت کبری؛

۶- رهبری دوستان و طرفداران امام و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان؛

۷- جلوگیری از فرقه گرایی و گروه شدن شیعیان؛

۸- مبارزه با مدعیان دروغین نیابت؛

۹- گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در آن زمینه ای که حضرت امام صلاح می داند.

شیعه در زمان امام کاظم علیه السلام باید یاد بگیرد دیگر نمی تواند بطور مستقیم با امام مواجه بشود. لذا امام کاظم علیه السلام طراحی می کنند هم به خاص این مسئله که بدانند که دیگر نمی شد مستقیم با امام ارتباط داشت مردم آماده بشوند برای غیبت صغری و کبری هم اینکه تعداد شیعیان زیاده پراکندگی جغرافیائی هم در واقع زیاده هم متکثرند عدداً و از نظر تنوع جغرافیائی در جاهای متعدّد هستند خوب عملاً نمی رسند بیایند مستقیم ببینند.

لذا امام کاظم علیه السلام یک سازمانی را طراحی می کنند بنام سازمان وکلا، افرادی را معرفی می کنند به عنوان مورد وثوق و اطمینان خودشان در بلاد منتشرشان می کنند. افراد با این وکلا ارتباط دارند.

امام علیه السلام برای هر شهری هر استانی یک نایب و وکیل می فرستد. آن وکیل به فراخور اینکه در شهرها نمایندگانی دارد. شهر الف و ب و ج و مردم با آن نماینده و وکلا ارتباط برقرار می کنند آن وکلا اگر مشکلی پیش بیاید با سر وکیل شان که در آن استان مستقر است ارتباط برقرار می کند خود آن سر وکیل اگر مشکلی پیش بیاید با آن وکیل خاصی که امام منصوب اش کرده ارتباط برقرار می کند به این نهاد می گویند سازمان وکالت. در واقع تأسیس آن سه جهت دارد:

۱- تعداد شیعه زیاد است عملاً دیگر همه نمی توانند خدمت امام برسند.

۲- موقعیت جغرافیائی خیلی گسترده شده باز دوری راه مطرح است.

۳- مردم کم کم یاد بگیرند که اگر بخواهند با امام صحبت کنند نمی شود، امام همیشه در دسترس نیست. حالا موسی بن جعفر علیه السلام در زندان است و در دسترس نیست ولی وجود نازنین امام عصر علیه السلام به حکم الهی در دسترسی نیست ولی در عین حال شیعه هنوز آن اجتماعش را دارد این بواسطه آن سازمان وکلایی است که تأسیس شد.

تا رسید به دوره امام عسکری علیه السلام که تقویت کردند امام هادی و امام جواد علیهم السلام تقویت کردند تا رسید به دوره خود امام زمان علیه السلام که چهار نفر سرگروه، هر کدام در طول هم، نایبان خاص هستند. ویژگی های ایشان را گفتیم و عرض کردیم یکی از کارهایشان سازماندهی، سازمان وکلاست. باز دقت کنید اینها این همه آدم را دارند سرپرستی می کنند بدون اینکه جای امام را لو بدهند.